

را اضافه نماید در حالی که قانون بودجه اقتدارنامه خود را در خصوص اعتبارات محدودده یعنی قسمت دوم بایستی کاملاً محفوظ دارد .

« ماده ۱۱ - اختیار اجزاء اعتبارات اضافی بموجب فرامین سلطنتی برای وجوه امدادیه مصارف يك اداره یا خدماتی که در بودجه نوشته شده و عدم کفایت وجوه مصوبه آن محقق گردیده است فقط راجع به ادارات خدماتی که مطابق صورت ذیل در بدو آنها رأی داده شده است » .

(قانون مالیه ۲۳ م ۱۸۳۴) صورت مذکوره در این ماده عبارت از سی و شش فصل بود و هر خرج اضافه و خارج از فصول مندرجه قطعاً در بد اقتدارات پارلمانی میماند .

معذاً يك ماده اخیر دیگری اینطور بیان مینمود :

« ماده ۱۲ اختیاریکه بموجب ماده ۱۵۲ قانون ۲۵ مارس ۱۸۹۷ داده شده که بموجب فرامین و دستورهای هماهنگی در مواعع فوری و فوق العاده میتوان تحصیل اعتبارات لازمه را نمود فقط راجع به مشاغلی است که پیش بینی آن در بودجه غیر ممکن است » اعتبارات فوق العاده یعنی اعتباراتی که مربوط به دوائر و مشاغلی است که در بودجه پیش بینی نشده بموجب ماده مزبوره خارج از قانون عمومی خواهد بود .

يك استثناء خطرناکی به ترتیب مذکوره مقرر گردید و بمدها همیشه خرج جدیدی به نظر دولت فوری بود بوسیله اعتبارات اضافی در غیاب مجلسین بموجب احکام دولتی برقرار میگردد .

در حقیقت دولت از ماده ۱۲ استفاده فوق العاده نمود در سنه ۱۸۴۰ مخصوصاً در دوره هیئت دولت اول مارس بریاست میو تیرس یککه

دستخط همایونی بیشتر از یکصد میلیون فرانک مخارج برای مصارف قلاع مستحکمه پاریس اجزاء میداد که از آن مبلغ دوازده میلیون فوراً بدست وزارت جنگ روزارت فرائد عامه داده شد فرامین دیگر فوری برای تفکیک دوازده رژیمان پیاده نظام چهار رژیمان سوار نظام که موجود پنجاه میلیون خرج دائمی بود صادر نمود (فرامین ۲۸ و ۲۹ سپتامبر ۱۸۴۰).

بالاخره حتی بدون فرامین همایونی وبدون وجود هیچ اعتباری (زیرا فورعالمیه وظاهر سازی های خیالی زودکنار گذارده میشود) خریدهای متفرقه برای وزارت بحریه و وزارت جنگ سبب آن شد که در دوره اجلاسیه بعد بعنوان نویه محاسبات ۱۴۵ میلیون اعتبار فوق العاده تقاضا گردید و باین ترتیب بمون اطلاع مجلسین فقط بوسیله اقدامات وزارت خانه ها بیشتر از ۳۰۰ میلیون مخارج در ظرف چندماه تعهد شده بود.

در سنه ۱۸۴۸ هیچ ترتیبات مخصوصه قابل ذکر نیست و بعد در دره امپراطوریت دوم سناتوس کنسولت ۱۸۵۰ و ۱۸۶۱ و ۱۸۶۹ همان طرقی را که در خصوص رأی در اختصاصات بودجه دادیم نسبت باین موضوع نیز جریان داشته و چنانکه قبلاً ذکر شد اینطور مقرر داشت که اعتبار اضافی و اعتبار فوق العاده فقط بموجب قانون برقرار می شود ولی ضمناً اختیار تبدیل اعتبارات را قبول نموده و بالاخره در سنه ۱۸۶۹ بدون این که ترتیبات مخصوصه نسبت به اعتبارات اضافی مقرر دارد سعی در الغاء اختیارات دولتی نموده و رأی بطور فصول را در قانون بودجه برقرار نمود.

۳. - قوانین مالیه اعتبارات اضافی

مجلس ملی ۱۸۷۰-۱۸۷۱ مسئله را تقریباً بطور قطعی در طبق قانون ۱۶ سپتامبر ۱۸۷۱ حل نمود قانون مزبور چنانکه قبلاً ذکر شد رأی بطور فصول را هقرر داشته و اختیار تبدیل اعتبارات را لغو نمود این قانون را در حقیقت از نقاط اصلی آنکه قبلاً مندرج است میتوان قانون دوره تجدید نامید :

لزوم رأی قوه مقننه نسبت به تمام اعتبارات اضافی با استثنای مواقع تعطیل مجلسین صورت ادارات و مشاغل رأی داده شده که در مواجده آنها دولت در موقع تعطیل میتواند بطور استثنای اعتبارات اضافه بدهد قانون ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹ مقررات قانون مزبور را نیز تکمیل نمود.

از همان ماده اول قانون ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹ اساس اعتبارات اضافی را معین نمود .

« ماده اول هیچگونه اعتبارات اضافی و اعتبارات فوق العاده ممکن نیست داده شود مگر بموجب قانون » .

ولی این اصل هرچه باشد همیشه دارای مستثنیائی میباشد زیرا در غایت مجلسین اتفاقی ممکن است حادث شود که در مقابل آن حوادث دولت نمیتواند بیوسبیله بماند پس بایستی پارلمان قبل از تعطیل یکک قسمت از اقتدارات خود را بدولت که تنها قوه موجوده است تفویض نماید تا دولت در مواقع غیر مترقبه و اضطراری رفع احتیاجات خود را بنماید تمام رفورم قوانین ۱۸۷۱ و ۱۸۷۹ سعی در تعیین سریع و قطعی اندازه و بسط این اقتدار موقتی دولت نموده و بجای کلمات کش دار

فوق‌العاده و فوری که در قوانین قبل استعمال شده بود جملات سخت‌تر گذارده شده است .

قانون ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹ ابتداء مدت و زمان غیبت مجلسین را تعیین نموده که در آن مدت مستثنائی ممکن است در امور حادث شود قانون مزبور میگوید این مدت فقط عبارت از زمان تعطیل قانونی مجلسین است . چنانکه در پراگراف اول ماده ۲ قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ توضیح داده شده است .

(ماده ۴ قانون ۱۵ دسامبر ۱۸۷۹) تفسیر این ماده سبب مذاکرات تفصیلی گردیده که مامور در بحث قرار نیندیم فقط اکتفا به بیان این نکته نمایم که قانون مزبور کلمه تعطیل را محدود بهمان تعطیل قانونی مجلسین نموده و رسماً موقع انحلال مجلسین را از این موضوع خارج و مستثنا کرده است .

در موقع تعطیل قانونی مجلسین (پنج ماه اقتدارات و حقوق استثنائی را دولت مالک است ؟ در اینجا قانون تشخیص اعتبارات اضافی و اعتبارات فوق‌العاده را بندهو مبهمی توضیح میدهد .

اعتبارات فوق‌العاده آنهایی هستند که بواسطه اوضاع و وقایع فوری و غیر مترقبه لازم گردیده و مقصود از داشتن آن اعتبارات ایجاد یکی خدمت تازه یا ازدیاد و بسط یک دایره است که در قانون هالیه مندرج و خارج از حدود مقرر قانون مزبور بایستی مصارفی در آن بشود (ماده ۲ قانون ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹) .

ما می توانیم توضیح مزبور را به مضامین مختصر تری بیان نمایم . اعتبارات فوق‌العاده اعتبارات اضافی هستند که در مورد دوائر یا يك قسمتی از دوائر که از طرف قوه مقننه پیش بینی نشده است لازم الاجرا

است * .

موافق این جمله اعتبارات فوق‌العاده منقسم به دو نوع است :
 بعضی از آنها راجع بااموری میشود که کلیتاً در بودجه پیش‌بینی نشده
 و بعضی دیگر مربوط به جزئیات اموری است که فقط آن جزئیات در بودجه
 پیش‌بینی نگردیده است .

چنانچه مقصود از نوع اول یعنی اموری که کلیتاً در بودجه قراموش
 شده است (دوائر و مشاغل جدید) مفهوم ماده اول قانون که به موجب
 آن ماده تمام اعتبارات از طرف قوه مقننه اجازه و تصویب میشود در
 این موضوع واجب‌الاجرا است پس این نوع اعتبارات اولیه را باید کنار
 گذارده زیرا تصویب چنین اعتباراتی حتی در غیبت مجلسین نیز به قوه
 مجریه اجازه داده نشده است .

چنانچه مقصود از اموری است که قسمتی از آن در بودجه نوشته
 و بایستی خارج از حدود پیش‌بینی‌های ابتدائی مصرفی بشود وضعیت
 این مسئله متفاوت است چون در اینجا مقنن اساساً رضایت خود را در
 موضوع آن امر بیان نموده و تقاضای دولت عبارت از يك تقسیم چیز
 یا يك ضمیمه است که بر حسب لزوم پیش آمده است در اینحال قانون به
 دولت اجازه داده است که در غیاب پارلمان موقتاً هر نوع افزایش لازمه
 را در موارد مذکوره بدهد .

قانون مذکوره ۱۴ دسامبر ۱۸۷۹ بالآخره میگوید : « اعتبارات
 ضمیمه آنهایی هستند که برای عدم کفایت مصارف محققه يك امر که
 در بودجه مندرج است تهیه وجه نموده و مقصود از تحصیل آن اعتبارات
 انجام و اجرای موضوع رأی داده شده در بودجه است بدون اینکه تغییراتی
 در اصل موضوع داده شود . »

(ماده ۲) میتوان این جمله را هم مختصر تر موافق ترمیم
ذیل بیان نمود :

« اعتبارات ضمیمه آتھائی هستند که فقط سبب افزایش اعتبارات
يك دائره و شغل مندرجه در بودجه میشوند » .

اعتبارات ضمیمه ایجاد هیچ امر تازه را نه نموده و بسط شغلی
را شامل نیست بلکه اصول مخارج را چنان که در بودجه مندرج است
محفوظ داشته و فقط ارقام اعتبارات را بر حسب لزوم اضافه مینماید .

بطور خلاصه : اعتبارات فوق العاده نوع اول را جمع به دوائر و مشاغل
جدیده است که در بودجه ابتدائی وجود نداشته و اعتبارات فوق العاده نوع
دوم مربوط به دوائر و مشاغل جدیدی یعنی آن قسمت و سهمی است که
جدیداً به امور مندرجه ابتدائی ملحق میشود در خصوص اعتبارات ضمیمه
این اعتبارات به عنوان و اصول مسئله تغییراتی نداده بلکه فقط ارقام
خرچرا اضافه مینماید .

از سه قسمت اعتبارات اضافی فوق دونوع اخیر یعنی نوع دوم
اعتبارات فوق العاده و اعتبارات ضمیمه اعتباراتی هستند که دولت بصلاحيت
خود میتواند مداخله نماید و این حق و صلاحیت دولت بشرايط ذیل
محدود است :

اولاً مجلس بایستی در حال تعطیل قانونی بوده و ثانیاً اوامر و
احکام اعتبارات مزبوره بایستی در هیئت وزراء مذاکره و تصویب و
شورای مملکت تسلیم گردیده و در پانزده روز اول دوره اجلاسیه برای
تصدیق پارلمان بمجلس تقدیم شود تا اینکه بالاخره داخل در صورت
امور مصوبه گردیده و در ضمیمه قانون مالیات سالیانه مندرج شود .

بدوجب قانون ۱۵۱۵ سال ۱۸۷۹ برای آنکه دولت از اصول

اساسی مندرجه در ماده اول خارج نشود برای داشتن اعتبارات اضافی که اختیارات بدولت واگذار شده پنج نوع محدودیت های ذیل را مقرر داشته است .

اول - غیبت مجلس بواسطه تعطیل قانونی نه بواسطه انحلال .
دوم - خارج نمودن اعتبارات اضافی که در قسمت اعتبارات فوق العاده نوع اول وارد است .

سوم - صورت قانونی سالیانه فصولی که فقط نسبت بآن فصول اعتبارات ضمیمه ممکن است داده شود .

چهارم - فرامین و احکام اعتبارات مذکور در هیئت وزراء تصویب و به شورای مملکتی تسلیم شود .

پنجم - تصویب قوه مقننه در پانزده روز اول دوره اجلاسیه انعقاد پارلمان .

يك قسم اعتبارات اضافی دیگری مانده و محتاج بذکر است که در قانون ۱۸۷۹ از آن موضوع مذاکره بمیان نیامده و آن عبارت از اعتبارات متممه است .

ایجاد اعتبارات مزبور را بموجب فرمان اول سپتامبر ۱۸۴۷ قبلا بیان نموده ایم چون قوانین ۱۸۳۳ و ۱۸۳۴ نسبت باعتبارات متممه مقررات فرمان ۱۸۲۷ را تأیید نه نموده اند میتوان اعتبارات مذکوره را ملغای تصور نمود .

در حقیقت مدنی هم متروک مانده و چنانچه نوشته شد مختلفه جدیدی آنها را تجدید نموده بود میتوانستیم اعتبارات متممه را جزء یادداشت های اصول قدیم محسوب نمائیم .

ابتداء قوانین و نظامنامه های ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱ پس از يك فاصله

چهل سال اعتبارات متممه را تجدید نمودند از تاریخ ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۶
 ارقام اعتبارات متممه کم کم رویه کسر گذارده بطوری که در ۱۸۷۷
 این ترتیب متروک مانده بود وزیر مالیه هم در ۱۶ ژون ۱۸۷۹ رفقا و
 همکاران خود را بواسطه متحدالمالی مطلع نموده که بعد ها اعتبارات
 متممه قبول نخواهد گردید.

ولی يك لایحه قانونی راجع به تفریق محاسبه سته مالیه ۱۸۸۵
 بغتتا ترتیب مزبوره را ایجاد نموده.

در سنه ۱۸۸۲ قشون کشی در تونس باعث مشارجه اضافه بر
 اعتبارات مصوبه گردیده دولت این مبلغ را بنام اعتبارات متممه از مجلسین
 تقاضا نموده کمیسیون بودجه نوامبر ۱۸۸۴ تقاضای دولت را رد نموده
 و مجلسین هم نظر کمیسیون را تصویب کرده در آن موقع دولت هم چون
 راهی برای چبران کسر عمل خود نداشت مبلغ مزبور را اعتبارات
 ۱۸۲۲ ۷۲۴۴۱ فرانک بود در لایحه تفریق بودجه سنه مالیه ۱۸۸۲
 بنام اعتبارات متممه مندرج نمود مقدمه قانون مزبور هم جنگ دا
 دلیل قرار داده و راه قانونی نری غیر از این ترتیب برای تصویب این
 مبلغ تصور نمی نماید مجلس شورای ملی نیز لایحه قانونی مزبور را
 تصویب نمود.

نظر باین که دولت و پارلمان با اعتبارات متممه رجوع نموده اند
 برای ما نیز لازم بود که در طبقه بندی خود اسعی از اعتبارات مزبوره
 برده باشیم خصوصا که بعضی از عمالک خارجه مثل بانک هنوز این
 ترتیب را بموقع عمل و اجرا میگذارند توضیح ذیل خلاصه بیانات فوق
 ما خواهد بود:

« اعتبارات متممه اعتبارات اضافی هستند که (بعد از وقوع

مسئله) برای تسویه و ترتیب اضافه مخارج در قانون تفریق محاسبات بودجه مندرج میشود.

۳ - الغاء اعتبارات

بیان قوانین اعتبارات اضافی بالاخره در ختم کلام ما را به تشریح نقطه مقابل آن یعنی الغاء اعتبارات سوق میدهد.

الغاء اعتبارات که نام آن توضیح دهنده مطلب است عبارت از حذف يك قسمت از اعتباراتی است که در بودجه ابتدائی مندرج است این عمل و معامله نقطه مقابل اعتبارات اضافی است زیرا بجای افزایش ارقام بودجه از میزان مصارف کسر میشود. « الغاء اعتبارات کسر نمودن ارقام اختصاصات بودجه ایست که بواسطه صرف نشدن وجوه مصوبه این عمل واقع میگردد » این است توضیح علمی که در مورد اعتبارات مزبوره لازم الاجرا است.

صرف نشدن اختصاصات بودجه به دو سبب واقع میشود: اول بواسطه حسودیکه برای جریان سنه مالیه معین شده.

مدت منفذی میشود در این صورت اعتبار حذف گردیده و به مخارج سنوات آتی به بعد انتقال داده میشود دوم يك صرفه جوئی حقیقی وقوع یافته باین معنی کار انجام شده در حالی که اعتبار مصوبه بودجه بمصرف آن نرسیده است در آن صورت الغاء قسمت موجودی بطور قطعی واقع میگردد.

پس الغاء اعتبارات به در نوع مشخص ذیل تقسیم میشود:

۱ - الغاء اعتباراتی که بمحل دیگر تعلق داشته است.

۳ - الغاء اعتباراتی که بطور قطعی واقع میگردد راجع به نوع اول ابتدا و جوهی از منافع عایدات مخصوصه تا آخر سنه مالیه بمصرف نرسیده است

مادر فصل مخصوص به این دو نوع بودجه (فصل دهم) شرح این مطلب را داده ایم که چگونه وجوه مربوطه به سنه مالیه جاریه نقل و ارقام ابتدائیه آن نیز معلوم گردیده و این عملیات مطابق قواعد مقرره در مواد ۱۲۰ و ۴۷۰ فرمان ۳۱ و ۱۸۶۲ واقع میشود .

پس از آن اعتباراتی است که تا انتضای تاریخ سنه مالیه محاسبه آنها تفریق نگردیده و حواله صادر یا پرداخت نشده است حذف اعتبارات مزبوره در آخر سنه مالیه سبب ابطال حقوق طلبکاران درات نگردیده و مطالبات مزبوره بایستی از بابت سنه مالیه جاریه مجدداً حواله صادر شود پس بنابراین اعتبارات بایستی بسنه مالیه جاریه انتقال داده شود (در فصل ۲۶ راجع به پرداخت مخارج سنه مالیه ختم شده بحث خواهد کردید) .

الغاء اعتبارات قسمت اول هر گز است :

- ۱ - از نقل اعتبارات بودجه منابع عایدات مخصوصه و غیره .
- ۲ - نقل اعتبارات سنه مالیه ختم شده این عملیات چنانکه دیده میشود فقط حساب نویسی و معاملات موقتی است که بالاخره منتهی به نقل و انتقال اعتبارات از يك سنه مالیه به سنه مالیه دیگر می شود پس همانا مطلب عبارت از تأخیر پرداخت مخارج به اصطلاح دفتری انتقال مخارج است .

الغاء اعتبارات نوع دوم برخلاف حالت يك عمل قطعی را دارد و در معنا اساسی بسك سرفه جوئی حقیقی است و وزراء در حقیقت همیشا

بتمام و چو هی که با آنها اعتبار داده شده محتاج نیستند بملاوه آن مسئله
خیر قبول هم بنظر می آید که در معامه سه ملیارد مخارج همانطور که از
حیث کسر آمدن اعتبارات تغییراتی حاصل میشود از حیث اضافه ماندن
و جوه هم نسبت به تخصیصات اولیه فرقی حاصل نشود.

پس تمام وجه اعتبار با آن قسمت از اعتباریکه باقی ماند و مصرف
نداشته است این مرتبه قطعاً حذف میشود.

اعتبارات نوع دوم غالباً در جریان سنه مالیه در اسوایح قانونی
مخصوصاً سیکه بمادل همان مبلغ تقاضای اعتبارات ضمیمه شده است حذف
والغایه میشود حذف و الغایه اعتبارات در این موقع سبب قبول اعتبارات
ضمیمه ایست و در معنا میتوان این ترتیب را همان تبدیل اعتبار دانست
چنانچه بر حسب ظاهر شکل و ترتیب کار بقاعده بنظر می آید در مقصد
و نتیجه و مطلب برخلاف است برای چه حالت طبیعی الغایه اعتبارات که
بایستی در موقع تفریق محاسبه بود چه واقع شود اینطور مقدم قرار می
دهند؟ برای چه بی موقع و قبل از وقت عجله در این کار میشود؟ این
ترتیبات فقط باعث این مسئله میشود که پارلمان را از موازنه ارقام جمع
و خرج موهوماً مطمئن نموده و موفق بباخذ اعتبارات جدید بشوند.

تمام الغایه اعتبارات متعلق بقانون تفریق محاسبه بود چه است
قانون تفریق بود چه اعتباراتی را که بمصرف نرسیده حذف نموده و جمع
کلمه اعتباراتیکه قبلاً داده شده کمتر میشود قانون مزبور بابت ترتیب
صحیح ارقام و جوه پرداختی در سنه مالیه را معین و با ارقام قطعی
عایدات مطابق نموده و بالاخره منتهی بموازنه بود چه میشود.

میزان الغایه اعتبارات هر دو نوع اعم از اعتباراتیکه نقل به سترات
بعد گردیده و اعتباراتیکه قطعاً حذف میشود بطور متوسط به مبلغ هفتاد

هلیون بالغ میشود مبلغ مزبور از سنه مسایار در تخمیناً مخارج بودجه فرانسه است.

۴. نتایج قانونی نمودن اعتبارات اضافی

رای پارلمان در اعتبارات اضافی آبا نتایج منتظره را که زچنین مداخله قوه مقننه انتظار میرفت و در هر صورت مشروعیت آن محل خلاف نیست (حاصل نموده است ؟

پس از قانون ۱۸۷۱ سه دوره را باید از یکدیگر تشخیص داد دوره اول از ابتدای سنه ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۸ است که در آن دوره عقل و احتیاط بیشتر بوده ولی بواسطه انقلابات سنوات اولیه آنرا به کنار می گذاریم پس از آن دوره از ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۵ و بالاخره دوره اخیر است. نسبت به دوره از ۱۸۷۹ تا ۱۸۸۵ صورت ریل میزان اعتبارات اضافی سالیانه را بما نشان میدهد :

اعتبارات اضافه	بمبلغ بوجه ابتدائی	سنوات
۲۵۹۰۰۰۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۷۹
۱۴۷۰۰۰۰۰۰۰	۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۰
۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۷۶۳۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۱
۲۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۸۵۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۲
۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۴۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۳

اعتبارات اضافه	مبلغ بودجه ابتدائی	سنوات
۱۷۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۲۵۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۴
۳۷۶۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۲۶۰۰۰۰۰۰۰	۱۸۸۵

مطابق صورت فوق پس از رأی قانون مالیه احتیاجات جدیده خراج از ارقام ابتدائی متجاوز از ۲۰۰ ملیون ۲۵۰ ملیون و در سته ۱۸۸۵ به مبلغ ۳۷۶ ملیون فرانك رسیده است .

افراط در ارقام مذکور سبب اعتراضات شدید گردیده اعتراضاتی که در کمسیون های بودجه نیز مطرح و بالاخره باعث یکنواختی العمل مسالمت آمیزی شده است .

اگرچه امروز نیز نوافص چندی موجود است ولی کلیه ارضاع رویهمرفته شهادت به تکمیل ترقیات قبل نمجویدی میدهد .

ارقام اعتبارات اضافی بر حسب تفاوت سنوات به ۸۰ الی ۱۰۰ ملیون تخمینا میرسد پس اگرچه هنوز وضعیات کاملاً مرتب نشده ولی با مطابقت ایام گذشته چنانکه مخبرین مجلس شورای ملی و سنا هم بیان نموده اند مجلسین صمانت مؤثری از افزایش اعتبارات اضافی نموده اند .

این مسئله دیده میشود که پارلمان با وجود عده زیاد نظریات اشخاصی که او را تشکیل میدهند باز تابع همان تغییرات و همان مرانی که بلكه شخص واحد باید نظی نمایند پس از تفویض مسئله از همان ابتدا کم خود را اصلاح و داخل در جریان مرتبی میشود تمام این مراتب مربوط به عقل و آگاهی نمایندگان ملت است و تجربه بهمانشان داده است که این عقل و آگاهی مثل عقل تمام نوع بشر تابع اشتباهاتی است که خوشبختانه عاقبت زود اصلاح میرود .

خلاصه اینکه پارلمان بواسطه علو مقام فقط دارای حقی است که در این موارد حاکم بوده خواه اشتباه در موضوع کرده یا اینکه ترتیبات صحیحه مقرر دارد بالاخره مقامی که کمتر اشتباه در آن میشود همانا پارلمان خواهد بود .

• • • اعتبارات اضافی در ممانك خارجه

ایتالیا تا این سنوات اخیر، که کسر عمده اقتصاد بودجه های آن مملکت را برهم زد اعتبارات اضافی را (مگر بطور انشاق) نمی شناخت چنانکه میدانیم ایتالیا دارای بودجه صحیحه ایست که در وسط سنه مالیه تمام مخارج اضافی لازم را متضمن میشود .

بعلاوه بودجه ابتدائی این مملکت فصول مخصوصه را برای مخارج غیر مترقبه شامل است که يك قسمت بنام (وجوه احتیاطی برای مخارج اجباری و از روی ترتیب) و قسمت دیگر بنام (وجوه احتیاطی برای مخارج غیر مترقبه) نامیده میشود .

(ماده ۳۸ قانون ۱۸۸۴) برداشت وجوه از قسمت اول را وجوه مخارج اجباری و ترقیمی که صورت آن ضمیمه قانون سالیانه بودجه است فقط بموجب حکم وزیر مالیه است که در دیوان محاسبات ثبت میشود .

ولی برداشت وجوه از قسمت دوم بموجب دستخط های همایونی است که به پیشنهاد وزیر مالیه (در ایتالیا وزیر خزانه میگویند) در هیئت وزراء مذاکره گردیده و در دیوان محاسبات ثبت و در روزنامه رسمی مطبوع میشود .

ضمناً در دوره اجلاسیه پارلمان آنها را تصویب مینماید .

در بلژیک اعتبارات اضافی مدت زمانی خواه در دوره جریان سنه
مالیه خواه در قانون تفریق بودجه بنام اعتبارات متمم و جوده داشته است
مسیو گورد وزیر سابق مالیه کابینه آزاد اقرار مینماید که در دوره آن
حکومت حدود متوسط این اعتبارات بالغ به ۸ میلیون بوده است . سنای بلژیک
جلسه ۲۷ آوریل ۱۸۸۸ این ۸ میلیون عبارت از صدی سه قدری کمتر
متناسب ۳۰۰ میلیون جمع کل تخمین بودجه بلژیک بوده است وزیر مالیه در سنه
۱۸۸۳ میگفت: با اطلاعاتی که نتیجه تجربیات مکرره است بدامی فهماند که
هر چه بکنیم و هر چه بشود باز اعتبارات اضافی همیشه لازم است پس بنا بر
این بایدستی در موقع تخمین عایدات نظر با احتمال چنین مخارجی را نیز
داشت (بیان وزیر مالیه ۲ فوریه ۱۸۸۳) معیناً بعد از چند سال اعتبارات
اضافی کم کم روز با انحطاط گذاشت . وزیر مالیه مسیور نارد در موقع بیان
نتایج بودجه سنه ۱۸۸۶ راجع باین موضوع اینطور اظهار نمود :
مخارج سنه مالیه ۱۸۸۶ خیلی زیاد شده است بعضی از مخارج مزبوره
استثنائی و بعضی جدید بود . در جز این مخارج نهضیات بزرگ نظامی
است که بواسطه وقایع اسف انگیز مارس ۱۸۸۶ حادث گردیده با وجود
این مخارج جدید نه فقط اعتبارات ضمیمه نداشتیم که محتاج بتقاضای
تصویب آن بشویم بلکه ارقام اعتباراتی که بمصرف نرسیده و بخزانه مسترد
شده است بالغ بمبلغ مهم ۶۹۹۶۰۰۰ فرانک خواهد بود (مجلس
شورای ملی جلسه ۹ نوامبر ۱۸۸۷) بعد از آن تاریخ نیز وزیر هرزبور
نطق ذیل را برای اثبات این موضوع ابراد نموده است .

(در ستوات مالیه ۱۸۸۵ ۱۸۸۶ ۱۸۸۷ بجای آنکه ما
مجبور بتقاضای اعتبارات ضمیمه بشویم) چنانکه فرقه دست چپ قبلاً
لزوم مسئله را حتمی میدانست (بر عکس بعد از اتمام تمام محاسبات

سالیانه ۵ میلیون تخمیناً اضافه وجوه مصرف نشده بجزایه مسترد شده است (در ۲۷ - آوریل ۱۸۸۸) بهر جهت نمیتوان گفت که اعتبارات ضمیمه کاملاً در بلژیک بر طرف شده بلکه فقط بهرور ایام در حدود استقلاله مانده است اداره نمودن راههای آهن دولتی باعدم تمییز از میزان تجارت سالیانه آن حقیقتاً همیشه محتاج اضافه مخارجی در مدت جریان سنه مالیه میشود.

همین سبب و جهت در یکزمینه بسیار وسیعی باعث ازدیاد اعتبارات اضافی در مملکت یروس گردیده و مخارج اداره نمودن راههای آهن معارف ساختن راههای جدید را نیز باید اضافه نمود برای بودجه ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ دولت پیشنهاد لایحه ازدیاد رشته خط آهن ساختن کار ها ایتبار ها و غیره که بالغ بمبلغ ۱۸۷۵۰۰۰۰۰ فرانک نموده و مجلس د آوریل ۱۸۸۹ تصویب نمود این مبلغ عبارت از اعتبارات ضمیمه سنه مالیه مزبور است.

در روسیه که حق اینکار پارلمانی را نمیتوان سبب اغراض اعتبارات ضمیمه قرار داد این اعتبارات در مدت زمانی بطوری زیاد گردید که دولت خود مطلب را توضیح اظهار تاسف نمود. بازرسی عمومی

صورت ذیل را از اعتبارات مزبور در ایرت های سالیانه خود مندرج نموده است.

۲۱۶۱۶۰۰۰	۱۸۷۶	هزات
۵۶۲۰۰۰۰۰	۱۸۸۰	«
۳۸۶۵۷۰۰۰	۱۸۷۹	«
۳۸۷۰۰۰۰۰	۱۸۸۵	«

در سنه ۱۸۹۰ وزیر مالیه در ایرت خود اینطور میشود (بر حسب

اراده اعلی حضرت امپراطوری هیچ خرجی خارج از بودجه قبول نکرده و بنا بر این از میزان اعتبارات مندرجه در بودجه تجاوز نخواهد شد (رایرت وزیر مالیه با امپراطور ۱۰ ژانویه ۱۸۹۰) لایحه تفریق بودجه سنه مالیه ۱۸۸۹ نیز معلوم مینماید که مبلغ ۳۰۲۴۰۰۰ منات کمتر از وجوه پیش بینی شده در بودجه مصرف گردیده و هیچ اعتبار فوق العاده هم در مدت جریان سنه مالیه بدون اینکه صحیحاً معادل آن مبلغ اعتبار محل آن بواسطه يك صرفه جوئی تهیه شده باشد داده نشده است.

در انگلستان پارلمان از مدت زمانی دارای حق اولویت و تقدم در امور بودجه بوده و بهمین مناسبت سعی در محدود نمودن اعتبارات اضافی نموده است

اولا اداراتی که امور تهیه تخمینات بودجه هستند سعی بلیغ در تخمین مبالغ صحیحه آن مینمایند در صورتیکه ادارات فرانسه چندان اهمیتی باین موضوع نمیدهند از طرف دیگر پارلمان انگلستان با يك نظر بسیار بد و بانی صبری فوق العاده تغییراتی که در تخمینات ابتدائیه حاصل شده باشد در تحت ملاحظه در میآورد بعلاوه اصلا تمایلات مصادر امور بطوری است که بقدر امکان اعتبارات اولیه را محترم بشمارند

معهدا احتیاجات اضافی را نمیتوان اجتناب نمود

پس چگونه این احتیاجات قانونی شده و درجه اهمیت آن ها چیست .

از تقاضا نظر قانونی اعتباراتی که برای وزارت جنگ و بحریه معین میشود با اعتباراتی که بدو اثر غیر

نظامی شامل میشود باید جداگانه تشخیص داده شود. نسبت جنگ و بحریه در موقعیکه مطالب فوری و فوق العاده پیش بیاید محاسبات مالیه انگلستان خواه بوسیله اعتبارات اضافی خواه بوسیله تحصیل اعتبار بطور مطلق تدارک وجه مینماید هر يك از این دو نوع مذکور بر حسب اوضاع و مقتضیات بموقع عمل و اجرا گذارده میشود.

اگر پیش بینی های راجع بوقایع نزدیک بموقع عمل نیست زمی توان مخارج را مفصلاً تعیین نمود و به فصول تقسیم نمود در این مورد اعتبارات اضافی مرجح است چنانچه بر خلاف اهمیت و موضوع مسئله و مخصوصاً فاصله ما بین موقع پیش بینی و موقع عمل طوری است که اصول مسائل در پرده نمیآیند در هر چه صورتی يك اعتبار فقط بطور کلی بنام تحصیل اعتبار بطور مطلق داده میشود.

محاسبات مالیه انگلستان فواید چندی تشخیص این دو نوع اعتبار میدهند محاسبات مزبور بقدر امکان امروزه در آن مینمایند که رای در اعتبار فقط بطور مطلق را متروک داشته ترتیب قائمه تخصیفات شمیسه و اضافی را معمول دارند يك راپرت کمیته محاسبات عمومی مطالب را شرح ذیل خلاصه مینماید: در هر دفعه ای که دولت میتواند تخصیفات مفصل را با تقسیمات بمصروف معین نماید اجرای ترتیب اعتبار اضافی مرجح است مشروط باینکه يك پرگرام عمومی مخارج و کلیه عملیات در ابتدا یا در انتهای کار نوشته شده و تمام مطالبیکه از وزارت خانه ها خواسته شده توضیح داده شده باشد (راپرت ۲۹ ژوئن ۱۸۸۷)

تصویب در اعتبارات بجای اینکه مثل سابق برای سنوات چندی بلا حد داده شود محدود بیک سال شده است از تاریخ ۱۸۷۲ در موقع محاسبات جنگ همیشه تدارکات جنگ در اریا کمیته محاسبات عمومی

اینطور بیان عقیده نمود که آیا بهتر و مفیدتر نیست که بعد از رای در اعتبارات مطابق فقط برای سنه جاریه داده شود (رأیث دوم ۱۸۷۲) اقدام در این امر قطعاً در سنه ۱۸۷۳-۱۸۷۴ در موقع رای اعتبارات راجع بقشون کشی حقیقت حاصل نمود.

تشخیص این دو نوع اعتبارات بطور دقیق در کتب محاسبات انگلستان شرح داده شده در مواقع فوق العاده.

(فقط در حالیکه قشون کشی یا جنگ های اروپا یا تهیه و ندادن کات نظر بیک محاربه نزدیک سبب لزوم اعتبارات غیر مترقبه بود) مورد عمل واقع میگردد در الا مخارج از مواقع فوق العاده و استثنائی تضمینات اضافی همیشه بموقع اجرا گذارده شده و بتمام دوائر نظامی و غیر نظامی اعتبارات داده میشود اعتبارات مزبوره در دو موقع پیشنهاد میشود: ضمائم موقع تابستان و ضمائم فصل بهار است ضمائم اولیه (تابستان) قبل از اختتام دوره اجلاسیه معمولی یعنی در ماه اوت تقاضا گردیده و ضمائم دوم (بهار) مربوط باحتیاجات ماههای آخر سنه مالییه در ماه فوریه و مارس است

حریک از این دو نوع اعتبارات موافق همان شرایط قوانین مالییه ابتدا از کمیته های مجلس گذشته و بعد در جلسه عمومی رای داده میشود. ضمناً ناطقین و متخصصین مالییه بیشتر حرارت بخرج داده و به نطق های خود آهنگ تندتری در موضوع مذاکرات اعتبارات اضافی میدهند مجلس نیز این اعتبارات را با صعوبت و مشکل تر از اعتبارات بودجه ابتدائی قبول مینماید.

در سنه ۱۸۶۲ متعاقب تصمیم پارلمان در اینکه مخارج بودجه خارج از دوازده ماه سال نشده و تجاوز از آن مدت را قذف نموده بود

خیلی از اعتبارات معمولی اهداء شده و سبب ایجاد اعتبارات دیگری بنام ضمیمه گردید در این سنوات اخیر تا سنه ۱۸۸۰ حدود متوسط اعتبارات اضافی تخمیناً به ۱۶ میلیون برای دوائر غیر نظامی و ۲۵ میلیون برای جنگ و بحریه بطور تخمین و جمعاً به ۵۰ میلیون فرانك رسیده است.

حالیه نیز اوضاع بیشتر رضایت بخش است در سنه ۱۸۸۷ - ۱۸۸۸ مخارج ضمیمه بسکلی از میان رفته و تخصیصات بودجه ابتدائی نیز کاملاً بمصرف نرسیده بود: اقتصاد در صرفه جوئی در بودجه مخارج که صورت قطعی حاصل نموده بود بالغ به ۹۵ میلیون فرانك بود.

مسئله غریب آنکه برای وزارت جنگ و بحریه هیچ اعتبار اضافی تقاضا نشده بود وزیر مالیه در بیان نمود با يك رقم و غروری این طور شرح میدهد.

نظام و بحریه وجوهائی که برای آنها تخصیص شده تماماً بمصرف نرسانیده و هیچ احتیاجی هم باعتبار ضمیمه نداشته اند از تاریخ ۱۸۷۰ اولین مرتبه ایست که این دوائر دولتی موفق به جاریه بود که گردیده و اجتناب از مخارج فوق العاده نموده اند که پیشتر بیست و نه های وزارتی را برهم نژده و اقتصاد بودجه را متزلزل نمینماید:

(بیان راجع بمالیه نسبو گوشن وزیر مالیه ۲۶ مارس ۱۸۸۸)
در سنه ۱۸۸۸ - ۱۸۸۹ يك اعتبار ضمیمه ۱۰۰۰۰۰۰ فرانك داده شده ولی مخارج حقیقی در آخر حساب ۴۳۹۵۰۰۰۰ فرانك کمتر از پیش بینی اولیه بوده و این وجه موجودی (باقیمانده مخارج) اعتبار ضمیمه را از میان برده و چنانکه ملاحظه میشود مبلغی هم اضافه بالا مصرف مانده است.

بیان وزیر مالیه ۱۵ آوریل ۱۸۸۹ در سنه ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰

اضافه پرداخت مخارج علاوه بر ماخذ پیش بینی شده متجاوز از ۲۹۰۶۰۰۰ فرانك بوده است .

بالاخره در سنه ۱۸۹۰ - ۱۸۹۱ يك اعتبار اضافی معادل مبلغ ۱۲۱۲۳۰۰۰ فرانك برای هوائی غیر نظامی پیشنهاد گردیده ولی اضافه حقیقی مخارج نسبت به پیش بینی های اولیه بیش از ۸۰۰۰۰۰۰ فرانك یعنی نیم درصد کلیه مخارج بوده است .

پس ما حق داشتیم بیان کنیم که در انگلستان اعتبارات اضافی تقریباً وجود خارجی ندارد .

دلایل این وضعیت مخصوص قبلاً توضیح داده شده و سه جمله ذیل نیز آنرا خلاصه می نماید .

اولاً پیش بینی های بودجه در انگلستان خیلی نزدیک به موقع افتتاح و ابتدای سنه هالیه واقع گردیده و غالباً در جریان سنه هالیه نیز پیش بینی میشود این مسئله خود سبب آن است که تخمینات بودجه تقریباً بطور قطعی است .

ثانیاً خزانه داری تمام تخمینات مخارج و ایابا يك اقتدار مهم و اولویت مراجه و مدافعه نموده و این نه فقط از نقطه نظر اقتصاد بلکه برای آن است که اساس محکم تخمینات مزبور داده تا در موقع اجرای بودجه محتاج به تغییر و تبدیل نشود .

ثالثاً حق ابتکار پارلمانی بخودی خود در انگلستان هر اوچ پیشنهادی که مضر به موازنه جمع و خرج بودجه باشد (خواه از حیث افزایش مخارج خواه از حیث کسر عایدات) برای خود قدغن نموده است .

مزایای فلسفه يك چنین تشکیلات بودجه طبیعی است که سبب نتایج مستحسنه مذکوره گردیده و معین است که این مسئله چه اندازه باعث تشویق درکار است .

فصل هیچدهم

(رد شدن بودجه)

۱۴ - اول - رد بودجه از طرف پارلمان نتایج احتمالاتی آن - پرداخت تمام مخارج و وصول عایدات معوق میباشد : این مسئله يك شورش و انقلابی خواهد بود بعضی از ناظرین دوره تجدید در موضوع حق رد بودجه از طرف پارلمان تردید نمودند ، لهذا این حق منطقی و موافق حقوق مشروطیت با پارلمان است در هر صورت پارلمان آن حق را نباید بجز شکل تهدید آمیزی اعمال نماید خود پیچیده به موقع خود باید تسلیم و تقویش شود .

۱۵ - دوم - تشبیه در رد بودجه در آنگلستان هیچک از تشبیهات مذکوره از تاریخ ۱۶۸۸ ختم نگردیده بهین ترتیب در آلمان نیز از سنه ۱۸۶۶ به بعد

۱۶ - سوم - در وقایع ۱۶ تا ۱۸۷۷ در فرانسه + سال ۱۸۷۸ خطر آنرا داشت که دولت بدون بودجه شود . دولت آخرین لحظه تصمیم گرفت این ترتیبی است که همیشه بدولت تعبدل میشود + عقیده IR Say راویست تر از بودجه پارلمان ها .

اول - رد بودجه از طرف پارلمان

ما تا کنون همچو تصور نموده ایم که قوه مقننه را بدون هیچ مخالفتی رأی میدهند بلی خوشبختانه این ترتیبی عادی مسئله است ولی معیناً ممکن است که مجلسین مضایقه از چنین راتی نموده و بواسطه دسته بندی اجازه دریافت مالیات ها و پرداخت مخارج را بدولت بدهند رد نمودن بودجه افسهیدن نتایج يك چنین احتمالی نهایت مشکل است چنانچه سال شروع شود بدون اینکه بودجه تصویب شده باشد با طلب کاران و سرمایه داران منافع طلب و سرمایه خود را نگرفته متقاعدین نیز حقوق خود را اخذ ننموده و مقادیر کازان دولت بیهوده برای مطالبه

طلب خود بخزانه داری حاضر میشوند آیا مأمورین دولت خدمت بی
مواجب نموده مدارس باید بسته شده قشون محروم از حقوق هاندمو بالاخره
تمام تابعین دولت (یعنی امروزه قریباً تمام مردم) (ساکت مانده) و
زندگانی متوقف شود ؟

از طرف دیگر مالیات ها لاوصول مانده و عدم دریافت عایدات نه
فقط در آن مدت خزانه مملکت را فقیر و مفلوک مینماید بلکه اثرات
آن با مور دیگر نیز سرایت نموده سرحدات دیگر محافظت نشده بشادز
و شهر ها و مخزن ها بالا مستحفظ مانده و بلا فاصله دیده میشود نچار
وارد کنندگان مال التجاره های بزرگ و صاحبان عوایدیکه مالیات بهاها
تعلق میگردد و غیره بدون دادن گمرک مملکت را پر از مال التجاره
مختلفه نموده اند دزدی و قاچاق فوراً شروع و برای مدت زمانی عایدات
مملکت را مختل مینماید .

هیچ انراقی در بیان تصورات فوق نیست زیرا با دانستن متن قانون
هر کس خواهد فهمید که مخارج از برای بودجه هیچ عایدات و مخارجی
ممکن نیست وجود داشته باشد از لا مخارج بموجب قانون مالیه فقط
برای مدت یکسال رأی داده میشود و مخارج از حدود یکسال هیچ قانونی
بعواله کشنده اجازه صدور و حواله و پرداخت کنندند اجازه پرداخت
وجهی را نداده است .

نسیب، بعایدات نیز تصوراً بمسئله پیچیده است که قوانین اولیه
بر قراری مالیات های دائمی است زیرا اگر بر قراری مالیات ها در حقیقت
دائمی است و فی اجازه دریافت مالیات ها اساساً سالیانه است و ما این
مسئله را قبلاً بیان نموده ایم .

اصول کار بدون شبهه یک مرتبه و برای همیشه برقرار میشود

ولی راه انداختن چرخ کار هر ساله بایستی بموجب اجازه جدیدی بشود
بعلاوه تمام قوانین مالیه دریافت کنندگان مالیات های غیر مجاز را
محکوم بمجازات نموده و هیچ کس خود را بچنین خطری دچار نمینماید
(در فصل یازدهم این ماده شرح داده شده است) پس از اول ماه ژانویه
چنانچه در بودجه رای داده نشده باشد تصامیم دار دریافت کنندنده مالیاتی
و تصویباتار پرداخت کنندنده مخارجی یافت نمیشود صندوق ها برای
واردات و صادرات عواید و مخارج مملکتی مسدود است همان محالیمیکه
در ۳۱ دسامبر قانونی بود در اول ژانویه برخلاف قانون میشود تعطیل
اجرای بودجه سبب بک شورش و انقلابی است چنانکه یکی از ناطقین
پارلمانی بیان مینماید .

« رد نمودن بودجه - میدانید آقایان ؟ بک شورش و انقلاب است »
(۱۰ دسامبر ۱۸۸۸)

در ابتدای دوره نجدد در موقعیکه در چند حقوق عالیه پارلمان و
سلطنت مورد بحث بود این مسئله مطرح گردید که آیا حقیقه مجلس
شورای ملی چنین حق بی حد و انقلاب آمیزی را در رد نمودن بودجه
دارا است .

اغلب از ناطقین در موضوع این حق مخالفت نموده و معتقد بودند
که نمایندگان ملت قطعاً برای رأی دادن در بودجه دعوت شده و از انجام
این وظیفه نمیتوانند مضایقه نمایند .

مسیو De Bonald فریاد میزد : « بک مجلس سیاسی حق رد
نمودن بودجه را دارا نیست ، ما بطوریکه انسان حق تلف نمودن خرد را
بدست خود ندارد . » (جلسه ۲۲ مارس ۱۸۱۶) بک نماینده دیگر می
گفت : « رد نمودن بودجه باعث اعدام شاول اول گردید در رد نمودن بودجه

بود که لوئی شانزدهم را به قتل برد.

رد نمودن بودجه شارل دوم را مجبور به موافقت بالوی چهاردهم نمود و باین ترتیب شورش ۱۹۸۸ را برپا کرد. رد نمودن بودجه همیشه علامت انقلابات سیاسی و بدبختی های بزرگ بوده است مجلس شورای ملی حق ایجاد چنین انقلابات و رهم زدن ارضاع را دارا نیست. (نطق ویکونت سن شاهن ۱۸۱۷)

بلی بدون شبهه رد نمودن بودجه چنین نتایج شومی را متضمن است در حقیقت این یک خودکشی و برعم زدن تشکیلات مملکتی و مقدمه بعضی بدبختی های بزرگ عمومی است؛ ولی هر اندازه خطرناک باشند پارلمان چنین حقی را دارا است.

پارلمان قانوناً دارای حق مزبور بود و هیچکس نمیتواند این قدرت را از پارلمان بگیرد. درحالیکه حق رأی دادن در عایدات و مخارج مملکتی متعلق به نمایندگان مملکت است پس نمایندگان مزبور طبعاً و لزوماً دارای حق رأی نمودن بودجه هم خواهند بود چگونه میتوان حق تصویب را داشت ولی نقطه مقابل تصویب یعنی رد مسئله را ذیحق نبود هر یک از این در حق لازم و ملزوم یکدیگر ربکی بدون دیگری در حقیقت بی معنی و بلا مصرف است.

بملاوه امروز که اصول حکومت و در حقیقت سلطنت در امر بودجه عموماً بمنفع نمایندگان ملت مقرر رفته است محقق است که تصدیق یا رد بودجه هم متعلق بهمان نمایندگان است.

فقط مسئله در اینجا است که چنانچه رد نمودن بودجه بطوریکه فلسفه مذاقه گردید از نقطه نظر ثنوا این اساسی ممالک پارلمانی یک امر بقاعده ایست ولی باید دانست که در عمل این موضوع تقریباً غیر قابل

اجرا است. نه فقط بنصورت هم نمیتوان آورد که رد نمودن بودجه باعث چه انقلابات و عروج و مرج بزرگی میشود بلکه نجر به ایام گذشته همچنین مطالبی را تاکنون بجا ارائه داده است زیرا هیچ سنه مالیه بدون بودجه نمانده است و در حقیقت همیشه بطور تهدید بوده است که پارلمان ها تا با امروزه از حق خود استفاده نموده اند ما از روی تاریخ این مسئله را خواهیم دانست.

« تشبیهات ر رد بودجه در انگلستان و آلمان »

در انگلستان از موقع تجدید ترتیبات مالیه پس از وقایع ۱۶۸۸ مجلس ملی هیچوقت بودجه را رد ننموده است. معیناً چندین مرتبه مسئله رد نمودن بودجه سبب مذاکرات گردید و حتی مناقشات تهدید آمیز شده ولی همیشه مسئله را بموقع حل نموده و سنوات مالیه با اجازه در بافت عایدات و پرداخت منارج لازم رای گردش چرخ امور مملکتی افتتاح و شروع شده است.

در سنه ۱۷۸۹ توماس پیت Thomas Pitt پیشنهاد نمود که چند روز رای در منارج را بتعویق بیندازند تا اینکه از لرد نورت یک تعهدی در خصوص جنگ امریکا تحصیل شود زلی مجلسین نظیر باینکه هیچ چنین پیشنهادی از ابتدای دوره انقلاب تاکنون نشنیده و امر بکالی و بی سابقه است با یک اکثریت بزرگی پیشنهاد سزبور را رد نمود.

در سنه ۱۷۸۴ در ابتدای وزارت ویلیام پیت وقتار شاه زرت سوم که شخصاً این وزیر بیست و چهار ساله را بر مخالف نظر مجلسین نگاهداری نمود سبب بعضی اقدامات در رد بودجه گردید؛ فرقه مخالف در دست اداره Fox (فند سیاست piz تا مرگ این در نظر) پنج یا شش مرتبه رای

تأخیر تصویب اعتبارات لازم را از مجلسین تحصیل نمود (بیت وفکن در دو در اوایل سال ۱۸۰۶ فوت نمودند.)

شاه مهرباناً مضایقه از انفصال کابینه نمود و میگفت هیئت دولت محل اعتماد اوست رد بودجه که از طرف مجلسین اصرار در آن میشد ممکن بود بالاخره به نتایج شخصی منجر بشود ولی فکس در مقابل آن اشکالات از میدان در گرفته و خطرات متوجه را در نظر همکاران با فصاحت و بلاغت طبیعی خود تغییر شکل میداد با وجود اینها شاه موفق بتحصیل رأی در تذکره کس رأی پرداخت مخارج گردید.

پس از آن نیز منابع شایعات دائمی و رجوع ثابته در مدت سه ماه حوایج یومیه دولت را تهیه نموده تا اینکه بیت بواسطه لیاقت و نفوذ خود موفق بتحصیل اکثریت گردیده و اعتبارات تماماً در ۲۵ مارس ۱۷۸۶ تصویب گردید چون مجلس فوراً منعزل گردید امتحانات جدید مقام و بلیام بیت را بیک طرز قطعی محکم نموده و تمام کارها مرتب گردید خلاصه اینکه هیچ اداره و شغلی معطل و معوق نماند.

از آن بعد مجلس ملی حتی به عنوان تهدید هم محتاج استعمال این اسلحه نگردید ارسکین مای Ershine may میگردد:

« این اسلحه در مخزن مناقشات قوانین اساسی و مشروطیت زنگ زده شد ».

مورخ مزبور نیز ثابت مینماید که از ابتدای قرن اخیر مخصوصاً در تمام مدت جنگهای بر ضد فرانسه پارلمان در یک اتفاق و اتحاد کاملی یا سلطنت بوده است.

ارسکین مای میگردد:

« مجلس ملی با کمک آزادی و داخواه تمام مبلغانی که وزراء

نسبت بامور اساسی مملکت لازم دانسته و تقاضا نموده اند تصویب نموده و از طرف مجلس جیره يك نفر سر بنز از حقوق قشون كسر نشده و يك نفر ملاح از بحر به حذف نكر ديده است * باستثنای چند فقره لوایح بودجه سالپانه بدون كسری همیشه رأی داده شده است .

اختلافات مالیاتی اگر احداث شده به از حیت مبلغ اعتبارات برای احتیاجات دولت بوده بلکه راجع به طرز و ترتیب بعضی از مالیاتها بوده است .

از قبیل حذف Incon tax مالیات بر روی عایدی در سنه ۱۸۹۶ و رد نمودن لایحه مصاعف کردن عوارض بر روی خانه ها در سنه ۱۸۵۲ در ژوئن ۱۸۸۵ راجع به پیشنهاد اضافه عوارض بر روی آب جو و سایر مشروبات بوده که بایستی ۴۶۲۰۰۰۰۰ فرانك تهیه و جوه اضافی بشود که کابینه گلاستون منفصل گردید زیرا مجلس معتقد بود موقتاً این وجه از محل دیگری ندارك شود .

مناقشات بودجه در انگلستان با وجود اهمیتی که داراست از مدت زمانی خیلی محدود و همیشه بطور عاقلانه تسویه شده است ؛ و در هر صورت موضوع رد بودجه در کار نبوده است .

اوضاع مالیة انگلستان که اصول پارلمانی مدنهاست در این مملکت مجری و معمول است قابل تقدیر و سرمشق است .

در آلمان نیز چنانچه رقاب ۱۸۶۲ و ۱۸۶۶ را کنار بگذاریم (که در آن موقع چنانکه در فصل دریم این کتاب بحث گردید دولت قانع آلمان در مقابل حقوق قوه مفتنه تسلیم گردید) دیگر نمونه از رد نمودن بودجه در میان نیست .

آیا مجلس پروس یا مجلس رایشناخ آلمان جایزه بودجه نیرا که

دولت (مضروب از فتوحات در انهداد و یگانگی ممالک متحده آلمان) پشنهاده نماید میتواند درد نمایند؟ بعلاوه چنانکه قبلاً مطالبه گردید مهم ترین «مخارج بودجه آلمان یعنی مصارف جنگ يك مرتبه برای مدت هفت سال تصویب میشود .

۳۰۳. تشبیهات و اقدامات در رد بودجه در فرانسه

چنانچه رد نمودن بودجه اخیراً در فرانسه در مواقع مهم بیش نمی آمد این مسئله در انتظار مایک خیال هووم و خالی از حقیقتی ممکن بود بنظر بیاید .

در آخر سته ۱۸۷۲ موضوعی را که ما با کمال سکون و آرامی در آن مذاکره مینمائیم مورد تفاسیر عاجلانه شد در آن موقع از اتفاقات معروف ۱۶ مه تازه خاج شده و نسبت به آن وقایع است که هنوز هم فرقی سیاسی بزرگ دیگر اندگر نمی مینماید اشخاصی که در ۱۶ مه حکومت را بدست گرفته بودند اگر چه انتخابات های اکتبر يك اکثریت مخالفی را برای آنها تشکیل داده بود باز امور مملکت را اداره نموده و رئیس قوه مجریه می خواست بهر طور است وزراء را در سرحد خدمات خود نگاه بدارد .

کار به همین ترتیبات ماه دسامبر رسید بدون اینکه رفع مناقشات گردیده یا اینکه بودجه ۱۷۱۷ تصویب شده باشد رأی در بودجه را مجلس عالیاً عاصداً «موقوف گذارده بود .

تمام راپورت های کمیسیون بودجه حاضر و بهیشت رئیسه تقدیم شده ولی مجلس از گذاشتن جزء دستور خود مضایقه مینمود و مغرب

کمیسیون میگفت :

مادست از آخرین ملجاء خود برنخواهیم داشت زیرا این مسئله آخرین ضمانت ملل آزاد است . ما رأی در مالیات نمیدهیم مگر برای يك دولتی که حقیقة مشروطه باشد . (رپورت کمیسیون بودجه توسط مسیوژول فری ۴ دسامبر ۱۸۷۷)

کم کم صورتات موهومی میدان پیدا کرده حتی برای بحرانیکه نزدیک میگردد تهیه‌هایی دیده میشود .

عامة مردم و مجلسین تا کمال اضطراب به ایامی که ۳۱ دسامبر ۱۸۷۷ باقی مانده بود روز شماری مینمودند خصوصت فرق سیاسی موجب وحشت از حدوث اتفاقات ناگواری بود « ماظنای خودمان را نخواهیم داد وزیر بار هیچ تجدیلاتی نمیرسیم مگر اینکه در مقابل میل و تمایل ۱۴ اکتبر سر تفویض پیش ببارند (۱۴ اکتبر تا بیخ انتخابات اخیر بود » باید دانست در مملکت فرانسه ملت حکومت می‌نماید ریایک نفر فرمان روائی میکنند » (نطق مسیو کاماتا جلسه نمایندگان ۴ دسامبر ۱۸۷۸) .

دولت در مقابل مخالفت اکثریت مجلس پس از آنکه بیهوده مراجعه و مذاقه در مضامین قوانین نمود ، تا لکه وسیله قانونی برای خود تهیه و از اول ماه ژانویه بدون بودجه مصوبه مداومت در کار مالیات بنمایند و پس از اطلاع و یقین در این که از اول ژانویه بدون رأی قوه مقننه هیچ تحصیلداری جرئت به اخذ مالیات ننموده و هیچ تعویلمداری قادر به پرداخت مخارجی نیست تسلیم به تقاضایات مجلس گردید .

در یازدهم دسامبر ۱۸۷۷ يك هیئت دولت جدیدی از مابین اکثریت مجلس تعیین گردیده و فوراً در يك جلسه قوانین مالیات های

مستقیم رأی داده شده و بلافاصله اقساط ماهیانه موقتی چند درازدهم نیز تصویب گردیده تا اینکه مرتباً رأی در بودجه کلیه قانون مالیه سنه ۱۸۷۸ داده شود.

این مرتبه نیز رد بودجه عبارت از تهدیدی بود و مجلس بدون اینکه احتیاج به وقوع مسئله حاصل نماید مقاومت در نظر خود نموده و بالاخره در موقع مناسبی میل و اراده قوه مجریه را در مقابل نمایلات خود تغییر داد.

خلاصه این که در حالت مراجعه باصل موضوع باید این مسئله را سؤال نمود که آیا قوه مقننه حق رد نمودن بودجه را دارا است؟ محقق است که مجلس برای پیش بردن خیال خود در مقابل مقاومت های دولت بالاخره رجوع به آخرین وسیله خود مینماید.

آیا این مقاومت های دولت قانونی است؟ آیا دولت نیابتی در مقابل نمایلات نهابندگان ممالک تفویض و تسلیم شود؟ آیا اجوات معشور پیش آمدهای ناگوارى که بواسطه تجاوزات غیر قانونی او حاصل میشود نخواهد بود؟

ژان با پدیت سای با نهار دقیق خود این مسئله را مطالعه نموده اینطور مینویسد:

« مقننین مستقل که کاملاً بوظائف مقدس خود مستحضر هستند نرس و اضطرابی از رد نمودن بودجه هائیکه با آنها پیشنهاد شده است نخواهند داشت. در سورتی که در مقابل افراط و تفریط از ضمانت لازمه مضایقه بشود فرضاً بعضی باین عقیده نبوده یا این اقدام را سبب هرچو مرجع ممالک بدانند هیچ چیز از این مسئله اسباب نموجب نخواهد بود که اشخاصی که شریک در مسئله نیستند - چنین مقاومت

مفیدی را سبب خطر بدانند - این نوع اقتصادیات سیاسی قسمت هشتم معلم علم اقتصاد مزبور بالاخره چنین یادآوری می‌نماید که «اگر در دوره لوی چهاردهم يك هیئت نمایندگان بوسیله رد نمودن بودجه میتوانست مانعی در جنگها و ظلم و ستمها ایجاد نماید مملکت فرانسه در پستی و فلاکت نیفتاده و بالاخره سبب خاتمه این سلطنت نگردیده و شاه هم تعقیب نمیشد».

ما باز مراجعه بهمان مسائل حقوق بودجه که موضوع بحث اول کتاب بوده مینمائیم - چنانکه گفتیم حقوق بودجه بدون هیچ مخالفتی متعلق بنمایندگان ملت است سالها این مسئله تعقیب گردیده و امروزه قطعاً این موضوع مسلم است - تمام فصول کتاب ما هم راجع به تهیه رأی در بودجه بالاخره باین عقیده و نظر ختم شده است .

از نقطه نظر بسط و وسعت این حق تصدیق و تصویب عایدات و مخارج و مالکیتی مربوط به پارلمان و نه فقط پارلمان حق رأی دادن در آنها داراست بلکه مالك يك حق بالاتری یعنی مضایقه از رأی دادن نیز هست - این حق بالاخره برای آن است که قوه مجریه در مقابل نمایان پارلمان تعویض و تسلیم شود -

قوه مجریه نمیتواند این اولویت پارلمان را شناسد و نمیتواند با آن مناقشه بنماید و بلکه بر دولت لازم است که همیشه سر تسلیم فرود آورده از مسئولیت و نتایج و خیمه این موضوع نیز احتراز نموده باشد - بعلاوه تا با امروز نیز در تمام ممالك پارلمانی باین قانون اساسی متابعت و موافقت نموده‌اند :

پس ما میتوانیم از خیال نهدید آهیز رد نمودن بودجه در گذشته و با کمال فراغت خاطر مسئله اجرایی بودجه را (که قسمت سوم کتاب ما آن موضوع را شامل است) مطرح نمائیم .

قسمت سوم

اجرای بودجه

فصل نوزدهم

دریافت عایدات - وصول مالیاتهای مستقیم

اول - اجرای بودجه عایدات مالیاتهای مستقیم : تقسیم‌آدرانی که یکی مأمور جزء جمع و دیگری مأمور دریافت مالیات است - اساس جزء جمع مالیاتهای مستقیم . دورهٔ تفیش کنترلیها - مالیات در موقع نقل و انتقال مالکیت - مالیات اصناف - برقراری و نریب جزء جمعها - نظارت از طرف مفتشین و مدیرها .

دوم - دریافت مالیاتهای مستقیم - تعصباتداران مسئول میزان مبلغ جزء جمع هستند . اقدامات راجع وصول مالیات از طرف تحصیل‌داران نسبت به مالیات دهندگان - طبع جزء جمعها تقسیم اعلانات راجع به مالیات درجانات تعقیب : اخطار - اوامر وصول - تسویه جزء جمعها : معاینات انجمنهای ولایتی در خصوص سهام مالیاتی که برخلاف قاعده تحصیل شده و سهام غیر قابل وصول - بقیه که نقداً پس از انقضای مدتی از طرف تحصیل‌داران پرداخته میشود - اوصاف مخصوصه راجع بتشکیل و ترکیب مالیاتهای مستقیم -

قانون مالیاتهمین که رأی داده شد قوهٔ مجریه بودجه‌تیرا که پیشنهاد نموده بود مجدداً برای اجرا در دست خود میبیند و وظیفه اصلی قوهٔ مجریه همانا اجرای بودجه است .

مطالعه این قسمت مهم موضوع ما شامل دو قسمت طبیعی است

از عایدات مینمائیم .

دریافت عایدات عمومی بوسیله يك دسته مأمورین است که سی قدر مراتب هم تابع یکدیگر و مالیات را از دست مالیات دهنده دریافت نموده و بعد درجه بدرجه آنرا بخزانه مملکت میرسانند .
مطالعه حالیه : این رشته اداره را از ابتدا شروع نموده و با آنها میرساند .

با ابتدا مشاغل مأمورین جزء مالیات را که مستقیماً با مالیات دهندگان مربوط هستند تشریح مینمائیم (عملیات اجرای بودجه از این اشخاص شروع میشود) پس از آن درجات مأمورین مافوق یکدیگر که عواید مملکتی را مرکزیت داده و به خزانه میرسانند متوالیاً مطالعه خواهیم نمود .

از خزانه مملکت است که بعد ها خواهیم دید بنام مخارج وجوهات خارج و بیاری میشود .

میتوان مأمورین متصدی دریافت مالیات های مختلفه را بدو نوع بزرگ تقسیم نمود که هر یک از این دو نوع دارای صفات مشخصه هستند .

۱ - مأمورین مالیاتهای مستقیم .

۲ - مأمورین مالیاتهای غیر مستقیم .

اولاً مطالعه در احوال مأمورین مالیاتهای مستقیم مینمائیم که متصدی صورت بندی مالیات و دریافت وجوه و عوارض ذیل را مینمایند مالیاتهای اراضی - عوارض در و پنجره - مالیات سرانه ، اثاثیه - مالیات اصناف - عوارض بر روی ماون - املاك و وقفه - بیلبارد - کلوپها - اسبها - وسائط نقلیه و غیره .

۴۲۸ - اول - وضع جزء جمع مالیات های مستقیم

نسبت به مالیات های مستقیم دو دسته مأمورین وجود دارند - وظایف يك قسمت از آنها اساس و مبنای جزء جمع است که میزان سهم مالیاتی اشخاص را تعیین نموده - و قسمت دوم سهام معینه توسط مأمورین اول را وصول نمایند .

يك دسته اساس و مبنای مالیات را انجس و حقوق خزانة تعیین و تثبیت نمایند - دسته دیگر مطالبه وجوه ت را نموده و حقوق معینه و ثابت را دریافت میدارند .

مالیات های مستقیم فقط یکچنین چیز به کسانی را شامل هستند که از یکطرف مبنای جزء جمع و از طرف دیگر رسول آنها اندست اشخاص مختلف میشود - تشکیل مالیات های غیر مستقیم قدری چنین ترتیب جدا بودن مأمورین را دارا است .

اغلب از صاحبان عقاید و نظریات صحیح منافع و فواید این ترتیب را شناخته اند - موافق نظر این اشخاص هر قدر تخصیص و تشخیص در وظائف و خدمات معلوم شود مسئولیت مأمورین واضح تر و عملی تر شده است .

تقسیم وظائف سبب تنظیم عملیات گردیده - کنترل را سهل نموده و با متابعت در آخر کار از ضرر های بزرگ مادی خزانة جلوگیری مینماید - ضمناً باید دانست که دو رشته بودن مأمورین خود اساس یک تشکیلات گران و پر مخارجی است - عیب ترتیب مذکور هم در همین نکته است .

بودجه مخارج که اجباراً حقوق دو دسته از مأمورین را باید منظور نماید بدون شبهه از حیث حسن اداره يك قسمت از مخارج و ضرر خود را جبران مینماید - ولی در بهر مرتبه باز احتمالات بودجه زیادتر میشود .

آیا همین جهت متابعت مسئله اقتصاد و صرفه جوئی بوده است که بعنوان رفورم برای یکی نمودن ادارات جزء جمع و وصول مالیاتهای مستقیم پیشنهادهایی شده است ؟ ملاحظاتی بر آنچه این پیشنهادها دارند داریم خصوصاً چنین عقیده قدیمی است مقصود ما فقط بیان وظایف هر يك از این در اداره است .

از این اداره مالیاتهای مستقیم اداره مأمور تنظیم و برقراری جزء جمعهای چهار مالیات مستقیم و عوارض شبیه بآنها است در تحت ریاست این اداره کنترلهای مالیاتهای مستقیم که مستقیماً با عامه ارتباط دارند و وظایف خود را انجام میدهند .

کنترلرها همینکه قانون اجازه داده و تصویب مالیات را نمود تکمیل جزء جمعها را برعهده میگیراند (در فصل هفتم دیده شده که از چند سال باینطرف قانون مالیاتهای مستقیم از بودجه جدا و پنج با شش ماه قبل در آن رأی داده میشود) و قبلاً هم این مأمورین در دهات و اطراف رفته و اطلاعات لازمه را برای انجام وظایف خود تهیه و تدارك می نمایند .

نظر بانجام این مقصود در ظرف سال دو دوره مرتب را بیموده - یکی در ماه مه و دیگر در ماه اکتبر و در هر يك از این دوره ها دوره های متعلق بتعود را طی مینمایند .

در گردش اولیه در ماه مه بنام (تغییرات حاصله) نقل و انتقال

مالکیت که قبل از رأی قانون مالیه است کنترلرها با تفاق تقسیم کنند .
 گان محلی (تقسیم کنندگان مالیات تشکیل یک کمیسیون مرکب از
 شهردار و پنج نفر از مالیات دهندگان اهل محل میدهند) اطلاعات
 لازمه را که در موقع نوشتن جزء جمع لازم میشود تهیه مینمایند این
 اطلاعات تغییراتی است که در اساس کار حادث شده از قبیل املاک
 جدید الاحداث و ابنیه جدیده - املاک و ابنیه مخروبه -
 تغییرات در مالکین نسبت به خرید و فروش تنظیمات در اوث و غیره
 و غیره .

قبل از موقع هم از طرف مأمورین ثبت اسناد و همچنین بموجب
 یادداشت های تحصیلداران اطلاعات لازمه به کنترلرها رسیده در این
 وقت بکماکه تقسیم کنندگان محلی نواقص اطلاعات خود را تکمیل
 مینمایند .

گردش دویم - در ماه اکتبر بنام اسناد چون مخصوصاً بیشتر
 متعلق باین نوع مالیات است واقع میگردد . بلافاصله قبل از تکمیل جزء
 جمع کنترلرها مطابق معلومات جدیده مبنای مالیاتهای مختلفه چهار و
 صنعت گران را مراجعه نموده تأسیسات جدیده و تغییراتی که در تأسیسات
 قدیم حاصل شده است بررسی کرده قیمت های محلی را صحیحاً تعیین

(۱) مقصود از ترجمه این کتاب اطلاع از اصول علم مالیه و شناختن
 اوضاع و احوال و ترقیات سائیه خارجه است و الا نسبت به مالکیت خود
 ایران تحقیق است که در موقع اعمال تنظیمات جدیده بایستی بادر نظر
 گرفتن تشکیلات خارجه اجرایی هر تشکیلاتی را در جزئیات موافق آداب
 اخلاق و عادات مالکیتی داده نسبت بوصول هم معین است مراعات لازمه
 باید بشود .

صنوف و مشاغل را طبقه‌بندی می‌نمایند در همان موقع نیز کارهای نقل و انتقالات مالکیت در رد و گردش قبل را تکمیل نموده و مجدداً اساس و هیئتی عوارض باین نوع مالیاتها را ممیزی می‌نمایند .

بعلاوه این دو حرکت و گردش سالانه کنترلرها در هر موقع که برای تحقیقات و اطلاعاتی از طرف اداره مالیه بوجود آنها محتاج باشد حاضر می‌شوند در تمام این خط حرکتها یا در ایامی که در محل‌های خود متوقف هستند کنترلرها حاضر برای استماع بیانات و توضیحات مالیات‌دهندگان بوده و حتی در موقع احتیاج اطلاعات لازم نسبت به تمام مالیاتی آنها داده ضمناً از این تحقیقات نیز خود کنترلرها استفاده نموده و جزئیات جزء جمع خود را تکمیل می‌نمایند .

کلیه تمام امور مربوط بشکست و تکمیل جزء جمعه یعنی تنظیم و نوشتن يك یا چندین جزوه است که بطور بلوک به بلوک شامل اسامی مالیات دهندگان بترتیب حروف تهجی و مبلغ مالیاتی که هر يك از آنها باید بپردازند میشود .

مفتشین مالیاتی (Inspecteur) در سر محل عملیات کنترلرها را بطور استماع تحقیق نموده و صحت آنرا مطمئن گردیده خدمات کم یا بیش آنها را تصدیق رخصتاً این امور را بایک اهمیت فوق‌العاده مذاقه می‌نمایند .

پس از آن مدیرها (Directeur) که در مرکز حوزه هستند کلیه مطالب و مشاغل حوزه خود را اداره نموده و مرکزیت میدهند . دستور عمل های لازمه بشمام «أمور» بن فرستاده بترتیب حرکت کنترلرها و مفتشین را داده و در حدود صلاحیت و وظایف خود مسائل و وقایع اتفاقیه حوزه خود را تسویه نموده و فعلاً آنها با اداره مرکزی مکاتبه

می نمایند.

بعلاوه مدیرها مأمور هستند که جزء جمعها را که از طرف کنتراولر دا
و تقسیم کنندگان محلی و اوقاف ترتیب فوق تنظیم شده است سواد بر دارند.
تنظیم و ترتیب جزء مالیات های مستقیم چنان که بیان گردید در اینجا
خاتمه مییابد.

۲ - ترتیب یافتن مالیات های مستقیم

يك اداره دیگری در آنوقت مداخله در دریافت مالیات مینماید.
آن کسی که با مالیات دهندگان ارتباط مستقیم دارد بنام تحصیلدار
مالیات های مستقیم نامیده میشود.

تحصیلدار مربوط و جزء يك سلسله مراتب اداری است که وزیر
مالیه بتوسط اداره کل محاسبهات عمومی و ادارات نقل و اموالات وجود
عمومی و قروض پرستار اداره عمومی پرداخت رئیس مستقیم تحصیلداران
می باشند.

عدد تحصیلداران در فرانسه تخمیناً ۵۲۸۵ نفر باستثنای شهرها
است و چون عدد بلوک که ۲۹۳۶ است تقریباً هر بلوک دارای دو تحصیلدار
است باید مالیات و نفوس بلوک فرانسه را در نظر گرفته و فوراً به خیال
نیفتاد که در ایران هم هر بلوک باید دارای دو تحصیلدار باشد.

همین که جزء جمعها از طرف اداره مالیات مستقیم که موافق
ترتیب مذکور تهیه شده است، تسلیم گردیده دایر دریافت عایدات شروع
بعمل می نماید. کنتراولرها مستقیماً به جزء جمعها را دست بدست به
همه کاران خود تسدهفتن زیرا همین است کار ما باین سادگی در ادارات
نمیگذرد بعلاوه ترتیبك اداره و سلسله مراتب کاملاً ملحوظ میشود. به

محض این که جزء جمع ها از طرف حکومت قابل اجرا دانسته شد
مدیران عالیات های مستقیم جزء جمع های مزبوره را بمأمورین خزانه
ارجاع مینمایند .

مأمورین خزانه در کتاب خود میزان متابع مندرجه در صورت
مزبوره رانیت نموده و برای تحویلداران مخصوص
آن قسمت راجع به حوزه آنها را ارسال می دارند تحویل داران نیز
بنوبت خود میزان جمع حوزه خود را در کتاب ثبت نموده و پس
از آن ارقام مربوطه هر تحصیل داری را در حساب او بعنوان طلب
می نویسند .

پس از ثبت کتاب بزرگ در نزد مأمورین خزانه و در روزنامه
تحویلداران آنوقت تحصیلداران مسئول میزان جزء جمعی که بآنها
داده شده است خواهند بود و همان طور که پول دست بدست بخزانه
واز می شود همانطور هم از مافوق بزیر دست جزء جمع ارسال و
تقسیم میشود .

باید دانست چگونه تحصیلداران مسئولیت بزرگی که بآنها وارد
است از عهده برآمده و چگونه عالیات دهندگان را بر طبق جزء جمع و ادار
پیرداخت سهمی عالیات خودشان مینمایند ؟

اولین تکلیف تحصیلداران طبق جزء جمع هاست که بتوسط بخشدار
هر ناحیه انجام میشود (۱)

(۱) چون تقسیمات ایالتی و ولایتی و بلوکی در فرانسه بطوری
است که نمیتوان اسامی فارسی عیناً برای آنها نوشت باین مناسبت اسامی
فرانسه هم نوشته میشود بملاوه مأمورین محلی هم که در فرانسه موجود
ست فعلا در تشکیلات داخله ایران یافت نمیشود از قبیل *Mair de commune*

تحصیل داران باین وسیله در حقیقت متعهدالمانی بشمام مالیات دهندگان نوشته و این طبع جزء جمع سبب آن می شود که هر یک از مالیات دهندگان از سهم مالیاتی خود اطلاع حاصل نموده و این موقع ابتدای مدت مهلت سه ماهی است که برای مطالبه مالیات معین شده است .

پس از متحدالمان عمومی یعنی جمع جزء يك اعلام نامه خصوصی هم بهریکه مالیات دهندگان فرستاده میشود .

باین معنی در همان موقعی که گناهیچه های جزء جمع برای تحصیلداران فرستاده میشود در همان موقع نیز یک دسته اوراق اعلام نامه های شخصی تحصیلداران رسیده و این اعلام نامه ها نسبت به مالیات دهندنده سواد ماده مربوط به مالیات شخص را را با ذکر روز و ساعتی که مالیات باید وصول شود در من می نماید تحصیلدار مکلف است این اوراقی که از طرف اداره مالیات مستقیم تهیه شده به نازل مالیات دهندگان تقسیم نماید . همچنینکه مقدمات هر مورد بعمل آید و به مالیات دهندند نیز قانوناً اطلاع داده شد دریافت مالیات شروع می شود .

نظر بانجام این مقصود (دریافت مالیات) تحصیلدار بایستی در روز و ماه معین مندرجه در اعلام نامه در محل حوزه خود حاضر شود . تحصیلدار مزبور در محل شهر داری با داشتن جزء جمع و کتاب ثبت و قبوض سوش دار انتظار مالیات دهندگان را دارد که کلیه بدهی یا يك قسمت از بدهی خود را کارسازی دارند . موافق این ترتیب همجو مفهوم

ز اگر فرضاً برای شمه باین شکل در ایران بتوان اسمی پیدا کرد در نزد کبالات با فرق آن از فرمال *Artrandinanā* ماشکیلات جزء ارقبیل *Cauteur* و غیره در جاد اشکیلات میشود .

می‌دود که مالیاتهای مستقیم هم بطور مطالبه وصول شده و هم مالیات دهندگان خود مالیات را می‌پردازند .

اصطلاح فرانسوی (Querable Aportable) اولاً بطور مطالبه وصول می‌شود زیرا که تحصیلدار بخود زحمت داده و برای تعقیب مالیات بمرکز حوزه حاضر می‌شود .

ثانیاً مالیات دهند خود می‌پردازد زیرا که مودی شخصاً مالیات خود را بآن محل آورده تسلیم مینماید . عمده تمام مالیات دهندگان صحیحاً در سر موعد حاضر شده و سهم خود را بموقع مستدوق کار سازی می‌نمایند . در این صورت لازم است از طرف تحصیلدار تعقیب شده و آنها را مجبور بدای بدهی خود بشماید . این مطالبه و تعقیب مالیات عبارت از عملیات ذیل و موافق درجات معینه است :

اخطار مجانی : ورقه اعلام نامه ایست که در آن ورقه صورت بقایای مالیاتی بدهی مالیات دهنده را معلوم مینماید .

اخطار با مخارج : ورقه اعلام نامه تقریب فوق یک جریمه مختصر تقدیمی هم اضافه و بر عهده مالیات دهنده داده می‌شود .

امر (احکام) : تعقیبی است که عملاً بر طبق قوانین عدلیه مطالبه وجه می‌شود .

توقیف : که بر حسب حکم در طرف سه روز چنان که مالیات دهنده بدهی خود را نپرداخته باشد معادل آن از دارائی او توقیف می‌نمایند .

بالآخره فروش انانیه یا هر چیزیکه قیمت آن بدهی مالیات دهنده و مخارج مطالبه و تعقیب را تکافو نماید .

کلیه ترتیبات مذکوره فوق که عملاً وقوع یافته بعنوان تهدید

است و مخصوصاً در فرانسه میل حقیقی مالیات دهندگان سبب آن است که در مواقع معینه تقریباً تمام مالیاتها بحویل صندوق تحصیلداران میشود در آخر سال تمام مالیاتهای مذکوره در جزء جمع وصول شده در صورتی که مخارج تعقیب تقریباً در دوازده هزار بیشتر نیست .

ولی چنانچه وصول مالیات کلیه رضایت بخشی است قصور مالیات دهندگان نیز قابل ملاحظه است .

چنان که بیان گردید تحصیلداران مسؤول وصول تمام مالیات ابواب جمعی خود هستند و ضمانت پولی هم در این موضوع وجود دارد و هر واقعه رخ بدهد جمع مبلغ مرقوم در جزء جمع ناآخرین سالیتم بایستی بصندوق پرداخت و حساب مقاصد شود - این اصولی است که در وصول مالیاتهای مستقیم حکمفرما و فقط باید دانست چگونه پرداخت کلیه مالیات بدون کسر واقع گردیده و عمل مقاصد میشود .

تحصیلداران در همان موقعی که جزء جمعها بآنها تفویض میشود شروع به تجسس این مسئله مینمایند - که اشتباهانی در جزء جمع نبوده یا مالیاتی دو مرتبه و در دو جا در جزء جمع ذکر نشده یا مبلغ مالیات بطور صحیح معین نگردیده یا جمع غلط زده شده یا فراموش یا کزاف کوئی بمیان نیامده باشد - تحصیلداران صورتی از سهام مالیاتی که بابتها در غلط جمع شده تهیه نموده و صورت مزبوره را بنظر انجمن های ولایتی واگذار مینمایند . چنانچه سهم مالیاتی به غلط و در اشتباه جزء جمع ذکر شده باشد هیئت مشاوره در آن موضوع عقیده خود را بیان نموده و برونق حکم هیئت مشاوره حکومت امری صادر نموده و مبلغ مزبور را از میزان جزء جمع کسر مینماید .

پس از آن نیز در دو ماه اول سال دریم دوره عمل یعنی بعد از

و از ده ماه شروع وصول مالیات تحصیلداران میتوانند يك پیشنهاد جدید دیگری راجع به مالیات های لارصولی بهیئت مشاوره حکومتی نه نمایند . این مالیات های لارصولی راجع به مالیات دهندگان فقیر و غلوك و ورشكست یا اشخاصی است که مسافرت نموده یا فوت کرده و این مناسبت سهم مالیاتی آنها بعهده اموبق افتاده است . - امور مالییه برای اثبات مدعای خود اسناد مختلفه که دلیل بر رفتار و تعقیبات لازمیه از طرف آن - امور در این موارد است یا نوشتهجاتیکه غیبت یا فوت طرف را ثابت نماید به یادداشت و پیشنهاد خود ضمیمه مینماید . هیئت مشاوره حکومتی مراجعه به اسناد مزبوره نموده و در صورت صحت رای خود را بر طبق تقاضای تحصیلدار داده و از طرف حکومت او امر لازم در ~~مکر~~ نمودن این بقایای لارصولی از جمع تحصیلدار صادر می شود .

همینکه این در اوع احکام صادر و میزان جزء جمع ابوابجمعی تحصیلداران کسر گردید چنانچه باز بقایایی وجود داشته باشد که هنوز مالیات دهندگان پرداخته باشند تحصیلدار ناچار است ~~که~~ مبلغ باقی مانده را از دارائی شخصی خود کارسازی دارد .

نظر بانجام مراتب فوق پس از انقضای سال سیم از ابتدای دوره عمل تحصیلداران بخودی خود از وجوه و دارائی شخصی خود سهم مالیاتی که هنوز پرداخت نشده بصندوق خود پرداخته و يك قبض رسیده ته سوش دار بخود میدهند . در تاریخ ۳۰ و امیر سال دوم دوره عمل تحصیلداران مخصوص نسبت به حوزه ابوابجمعی خود قبلا از دارائی خود وجوه عقب افتاده را بصندوقهای خود پرداخته اند و در حقیقت تحصیل داران ۱۳ ماه بعد مساعده تیرا که تحصیلداران مخصوص راجع به

بقایای مالیاتی پرداخته اند هر چه آن موقع نیز لاوصول مانده باشد از جیب خود کارسازی میدارند.

از تاریخ سال سیم تحصیلداران بشمارن طلبکاران شخصی مالیات دهندگان را نسبت به بقایای مالیاتی تعقیب و دنبال مینمایند ولی چون در این موضوع قایم مقام خزانه داری و دارای اقتدارات نیز هستند تحصیلداران میتوانند از تمام ترتیبات مخصوصه مذکوره سابق راجع بمطالبه و تعقیب مالیات رسماً استفاده نموده و بمنافع خود همان مراتب را در مقابل مودیات مالیات اعمال نمایند.

پس بر حسب بیان فوق ۴۳ ماه بعد از ابتدای هر دوره عمل از دست تحویلداران مخصوص و سه سال بعد از همان تاریخ (یعنی ابتدای دوره عمل) از دست تحصیلداران نیز میزان مالیات تماماً مطابق جزء جمع تحویل صندوق های خزانه میگردد محقق است این ترتیب نسبت نااطمینان خزانه خیلی مفید واقع میشود و از آنطرف هم باید دانست که اجرای این ترتیب مابین دولت و مامورین خود بمناسبت تمجیل و موافقتی که مالیات دهندگان در پرداخت بدهی خود مینمایند بسیار سهل شده است *

چنانچه این سهولت از طرف عامه در وصول مالیات مرعی نمی گردید معین است تحویلداران و تحصیلداران خود را بخطر چنین مسئولیت شخصی بزرگی نمی انداختند *

بعلاوه ما بعد ها نسبت بمالیات های غیر مستقیم که تشکیل آن بکلی متفاوت است خواهیم دید که حالیه در آخر سال بقایای آن غیر قابل ذکر میباشد - پس ترتیبی که نسبت بمالیات های مستقیم معمول و مجراست اساساً با قید احتیاط قابل رضایت و تصدیق است.

بطور قطعی و خلاصه اجرای بودجه نسبت به مالیاتهای مستقیم
ببارت از دو حالت اساسی است :

ابتدا از مرتبه اعلی بدرجات پائین مطابق سلسله مراتب ترتیب
رقراری و نوشتن جزء جمع بیک اداره تیکه کاعلا مشخص و جدا از
داره دریافت عایدات است و اگذار شده و پس از آن خزانه بواسطه
ضمانتی که از مامورین نسبت بمبلغ کل جزء جمع دارا است خود را
از هر نوع زحمتی خلاص می نماید

فصل بیستم

دریافت مالیاتهای غیر مستقیم

* اول - اداره مالیاتهای غیر مستقیم - حقوق و عوارض نقدی تعویلاتاران ثابت تسلیم اخصاریه دربارت اظهار نامه‌ها تعویلاتاران حقوق ورودیه و عوارض دروازه شهرها - فروش توتون و ناروت پفروشنندگان جزء توسط ابار دارها *

* دویم - حقوق ثابت تعویلاتاران که بیانه یا سواره در دهات شرکت میسایید دفتر مرتب «از روی ترتیب اسامی یا عوارض ده» اوراق اخصاریه - تحقیقات مصلحه - دوره های پومیه - عمل ممیزیها - در مراکز بزرگ مصلحت تجریه در انحرار قرار شده است - کثیرارها یا روسای شبه تنبیت حقوق و عوارض را اموده و تعویلاتاران دربارت وجوه را میسایند *

* سوم - مشاغل خارجی مفتشین مدیرهای ابائنی و ولایتی - اوصاف و حالت عمومی اداره مالیاتهای غیر مستقیم *

سه اداره مأمور تنبیت و دربارت مالیاتهای غیر مستقیم هستند موافق ترتیب اهمیت یولی اول اداره مالیاتهای غیر مستقیم دویم نیت اسناد و تمبر و سیم اداره گمرکات است

بر حسب ترتیب هر يك از این سه ادارات را بنگی عد دیگری مورد بحث خود فراز داده است و مطالبه نموده و چنانکه تلام این طرز را معمول داشتیم ابتدا شروع از مأمورین درجه بائین تر میساییم که مستقیما باصافه طرف ارتباط و معامله هستند *

اول - اداره - لیانهای غیر مستقیم

حقوق یا عراض نقدی

اداره مالیاتهای غیر مستقیم که مأمور دریافت عوارض داخلی بر روی اشیاء مختلفه مال التجاره ها و بعضی مشاغل از قبیل مشروبات قند - نمک - شمع - سرکه - مواد طلا و نقره - ورق بازی کالائی که که از دریا یا خشکی بهر شده اند - اجازت نامه ها و غیره و فروش بعضی محصولات انحصاری دولت از قبیل تونون و باروت هستند عواید آن اضافه بر یک ملیارد فرانک میشود .

این یک میلیارده مالیات هر کب از دو مالیات نوع عایدات است ، حقوق نقدی و حقوق مشخصه نامه .

رای هر یک از این دو نوع یک تشکیلات مخصوصی از حیث اجزاء مرتب شده است .

حقوق و عوارض نقدی که اسم آن خود : بیان مسئله را مینماید از طرف مالیات دهندگان نقداً پرداخت میشود . موافق مقصد امآل های اداره ، حقوق مزبور نقداً پرداخته شده و حتی در همان موقعی پرداخته میشود که مالیات دهندگان اظهارات و بیانات مندرجه در قانون را مینماید .

نسبت به حقوقاتی که باید نقداً پرداخت شود نه فقط مالیات دهندگان خود بخود و ناچاراً حاضر میشوند (زیرا که آنها البته مایل بحضور هم نیستند) بلکه در همان موقع حضور و مطالبه جواز دادن اظهار نامه بدهی خود را میپردازند .

نسبت به حقوق مشخصه نامه طلب اینطور نیست ، مالیات دهندگان تحصیل تحقیقات مأمورین را نموده یادداشت با اعلام نامه میزان وجهی

که باید پرداخت نماید باور رسیده و پس از آن در موقع و محل لازم و چه مطالبه شده را پرداخت مینماید در حالت اولی حق ابتدائی و استکار متعلق به لیاات دهندگان بوده مأمور مالیه بر حسب ظاهر يك وظیفه ساکت و عدم مطالبه را داراست در حالت دوم مالیات دهندگان ساکت و مدافع بوده و مأمورین بدهی او را معلوم و ثابت نموده و مالیات دهندنده انتظار اعلام نامه مأمورین را در تعیین بدهی خود دارد • قبلا نمیتوان این موضوع را تشخیص داد که بچه مناسبت دریافت هر يك از این در نوع عایدات در جهت دریافت يك رشته مأمورین چنان گانه قرار داده شده است •

مهم ترین حقوقات نقدی بوسیله اخطار با و رسول اظهار نامه هائی که اشخاصی که به تجارت شروع و یا آثار ترک نموده یا تغییر میدهند توسط یکدسته از مأمورینی که تحت نظر اداران ثابت نامیده میشوند دریافت می گردد •

اداره مالیات غیر مستقیم دارای ۱۵ الی ۱۶ هزار تحویلدار ثابت است .

که در تمام تحوالت فرانسه قسمت شده و هر نقطه که ثروت و کثرت مواد مالیات بده بیشتر احتیاج داشته باشد عدم مأمورین در آن نقاط زیاد تر است . این تحویلداران سالانه تخمینا ۲۰۰ میلیون فرانک عوارض نقدی مستند و حق مملکت عاید میدارند .

بعلاوه منابع عایدات فوق عوارض نقدی در کسب از حقوق ورودیه و جوهلی است که فقط در شهرهائی که بیش از چهار هزار جمعیت دارند دریافت میشود وصول عوارض عوارضی در اینجا نیز تقدا در مواقع ورود اشیاء اخذ میگردد (بجز عوارضی که اشیاء آنها میشوند) این